

## اهمیت پیوستگی مناظر تاریخی و ابزارهای نوین حفاظتی نمونه‌موردی شهر کهن اصفهان

رضا ابوئی\* عبدالله جبل‌عاملی\*\* غلامرضا کیانی ده کیانی\*\*\*

### چکیده

پیوستگی، بخشی از الزامات ذاتی شهر و یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد و تکامل مناظر در شهرهای سنتی به‌شمار می‌آید که در پی تغییرات، با گذشت زمان به‌دست آمده است. پیوستگی مناظر شهری تاریخی اصفهان، بیانگر هویتی است که طی دوره‌های طولانی از تاریخ و زندگی و فعالیت نسل‌های پی‌درپی تشکیل گردیده و در این مسیر، تغییر و تحولات گسترده‌ای را در دوره پایتختی صفویه تجربه نموده است. سرعت و گستردگی توسعه‌های شهری معاصر، با ایجاد گسست‌های عمیق در مناظر شهری تاریخی، هویت چنین شهرهایی را به‌شدت تهدید می‌کند. رنگ‌باختن مفهوم پیوستگی در مناظر شهری، صحیح درک‌نشده مفهوم سنتی آن و ظهور مناظر شهری ناسازگار در طراحی‌های مدرن، از تبعات چنین توسعه‌ای است که خود، بزرگ‌ترین مسئله حفاظت شهری به‌شمار می‌آید. این مقاله، تلاش دارد تا نشان دهد که پیوستگی، یکی از کلیدی‌ترین عوامل در خوانایی و درک تمامیت انسجام‌یافته شهرهای سنتی بوده و قرائت لایه‌های مختلف تاریخی - کالبدی و نمادین را برای نسل‌های گوناگون امکان‌پذیر می‌سازد. با درک صحیح مفهوم و اهمیت پیوستگی مناظر شهری تاریخی و کارآیی نگرش‌های رشدیافته حفاظتی، می‌توان به بازبانی و ارزش‌گذاری دقیق‌تر ثروت‌های فرهنگی در شهرهای سنتی پرداخت. اساس رویکرد منظر شهری تاریخی، مبتنی بر حفظ پیوستگی و احترام به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی گذشته در روند توسعه و تغییر است. شهر اصفهان که نمونه بارز پیوستگی و مرجع مناظر شهری تاریخی است، به‌عنوان نمونه‌موردی انتخاب و از طریق روشی کیفی و راهبردی کل‌نگر، مناظر شهری تاریخی اصفهان تفسیر و روایت شده‌اند.

**کلیدواژگان:** مناظر سنتی، پیوستگی و هویت، پیوستگی بصری، تفاهم‌نامه وین، اصفهان صفویه.

\* استادیار، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

\*\* استادیار، گروه معماری، دانشگاه آزاد، واحد خوراسگان، اصفهان.

\*\*\* دانشجوی دکتری مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان.

## مقدمه

مناظر سنتی به دلیل رشد ارگانیک خود نمایانگر وحدتی متکامل از دوره‌های مختلف تاریخی بوده‌اند. چنان‌که امروزه، وحدت و پیوستگی مناظر شهری تاریخی از منابع مهم در خور مطالعه در دانش مدیریت پایدار تلقی می‌گردند. زیرا لایه‌های مختلف تاریخی، نشانگر فعالیت‌های انسان و ارتباط‌های او با طبیعت پیرامونش است که تماماً بر چهره این مناظر نگاشته شده است (منصوری، ۱۳۸۲). این تاریخ نگاشته‌شده، تاریخ پیچیده‌ای از مکان یا منطقه است که هنوز ترکیب و ساختار آن قابلیت خوانش دارند (Antrop, 2005). به عبارتی، تفسیر و خوانش شکل زمین و آنچه در بستر دوران فرهنگی خود به همراه دارد (Muir, 1999). مناظر سنتی در تحولات خود، دارای عقل و الهام بوده که هم از جهت فراهم آوردن زمینه‌ای مناسب برای ساخت بهتر مناظر نو و هم مبنایی شناخته‌شدن آنها برای مرمت، اهمیت دارند (Lowental, 1997).

تغییرات اجتماعی و اقتصادی قرن اخیر موجب دگرگونی و از هم گسستن پیوستگی مناظر شهری تاریخی شده است. این نوع از توسعه، برای فراهم کردن ملزومات خود، مداخلات عمیقی را در زمانی کوتاه در بافت سنتی شهر صورت داده و حاصل آن، از دست رفتن پیوستگی بصری و نابودی بسیاری از مناظر تاریخی شهر است. در چالش پیش‌رو، این پرسش پیش می‌آید که پیوستگی مناظر شهری تاریخی چه اهمیتی دارد و چگونه می‌توان در روند توسعه معاصر از آن حفاظت کرد. هدف این مقاله، برجسته‌نمودن نقش و اهمیت مفهوم پیوستگی مناظر، با تأکید بر شهر تاریخی اصفهان است که ضمن تشریح مفاهیم اولیه و اهمیت حفاظت از مناظر تاریخی شهری، به کارایی ابزارهای نوین حفاظتی مربوط به آن هم می‌پردازد.

## پیشینه پژوهش

آنچه در گذشته موجب پدید آمدن تنوعی هیجان‌انگیز در مناظر شهری سنتی می‌شده، تغییر، تداوم، انسجام و به عبارتی پیوستگی است که در طول قرن‌ها با حضور نسل‌های متوالی که در همان منظر زندگی و کار می‌کرده و برای بهبود آن در تلاش بوده‌اند، ایجاد شده است. این پدیده‌ها، هر زمان در حال نوشدن بوده است چنان‌که در ادبیات منظوم ما حافظ این پویایی را تقریر می‌کند:

فی‌الجملة اعتماد مکن بر ثبات دهر

کاین کارخانه‌ایست که تغییر می‌کنند

(حافظ، ۱۳۸۶)

اما در این نوشدن‌های متوالی، ارج نهادن به زمین و توسعه پایدار، در ذات توسعه سنتی وجود داشت که ارزش نمادین خود

را در منظر بروز می‌داد. در توسعه سنتی، ضمن اهمیت دادن به تمامی فضاها، کلیتی جذاب و ارگانیک را عرضه می‌نمود که نمایانگر یک پارچگی و پیوستگی لایه‌های مختلف تاریخی و مشخص است. منظرى که در فرایند چنین توسعه‌ای حاصل می‌شد، نمودار جایگاه روابط انسان و طبیعت و تاریخ پیچیده مکان یا منطقه بود (Antrop, 2005). تأکید بر جنبش، سیلان و تغییر از ویژگی‌های اصلی مشرب‌های فکری و سنت‌های عرفانی مشرق زمین است. جایگاه این آموزه کهن را در ادبیات سنتی ایران می‌توان باز یابی کرد چنان‌که محمود شبستری عارف قرن هفتم در قطعه‌ای منظوم می‌گوید:

جهان کل است در هر طرفه العین

عدم گردد و لایقی زمانین

اگر باره شود پیدا جهانی

به هر لحظه زمین و آسمانی

در آن چیزی دو ساعت می‌نپاید

در آن ساعت که می‌میرد بزاید

(شبستری، ۱۳۴۸)

منظر که به‌عنوان جلوه‌گاه ارتباط‌های انسان و طبیعت پیرامون او از گذشته تا حال شناخته می‌شود، لوحی است که او آثار خود را کم و بیش دقیق و عمیق بر آن نگاشته است. بدین ترتیب، منظر تاریخی عاملی برای نقل است (منصوری، ۱۳۸۲). بنابراین تداوم و پیوستگی منظر می‌تواند تصویر کاملی از سیر تکامل فرهنگی جامعه را در اختیار قرار دهد. از آنجایی که جهان در اندیشه سنتی هیچ‌گاه ثبات نداشته و عناصرش دوام و بقا نمی‌داشته، بودنگی سیمائی زودگذر از شونگی دائمی است. هر چه هست، تغییر است و گذرا.

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما

بی‌خبر از نوشدن اندر بقا

عمر همچون جوی نونو می‌رسد

مستمری می‌نماید در جسد

(مولوی، ۱۳۶۴: ۷۱)

در این برآمدن، تکامل سیستم را بر شدن آن به مفهوم نظام‌دارتر و مستغنی‌گشتن از پیچیدگی‌های نظام‌دار و در گذار موجود از سیستم‌های فروتر به سیستم‌های فراتر می‌دانند (فرشاد، ۱۳۶۸: ۱۸۰ و ۱۸۱).

مناظر سنتی به‌عنوان ثروت موروثی جوامع، روی مشخصه‌هایی مانند مادیت، ثبات، حکمت الهام‌بخش و مدیریت پایدار تأکید دارد که از طریق این مشخصه‌ها، حس زیباشناختی مناظر، ارزش‌های نمادین و شناختی موجود پدید می‌آیند. مشخصه‌های مذکور، شامل اطلاعات زیادی درباره تاریخ عمومی مردم و سنت‌های مدیریت زمین است که شاید هنوز

عملکردی برای بازدید کنندگان، پیوسته توجه شد. از نیمه دوم قرن بیستم، رویکرد زیست‌محیطی بیشتر به سمت مدیریت یک‌پارچه منظر، توسعه یافت. با احیای منظر محیط زیست از سال ۱۹۸۰ رویکرد تاریخی به منظر، به‌عنوان رویکردی یک‌پارچه به‌آرامی در حال ظهور بود که اهداف نهایی آن در بردارنده انتقال نظم، ادغام تحقیقات بنیادی و کاربردی و سیاست‌های اجرایی است. در قرن ۲۰ تا ۲۱، نگرانی درباره منظر به‌عنوان میراث فرهنگی بروز می‌کند. با آگاهی از تهدید جهانی‌شدن و تأثیر آن در هویت بومی و تنوع منطقه‌ای، طرح‌های ابتکاری برای تغییر سیاست‌های مربوط به منظر ارائه گردید. به‌طور موازی، از سال ۱۹۹۴ اتحادیه اروپا روی مدون کردن کنوانسیون منظر اروپایی فعالیت کرده و در ۲۰ اکتبر سال ۲۰۰۰ آن را تصویب کرد. تفاوت مهم آن با قوانین پیشین حفاظت، از این منظر بود که نه تنها به سایت‌های بسیار ویژه و ارزشمند مانند سایت‌های حفاظت‌شده طبیعی بلکه به تمامیت منظر به‌معنای منطقه‌ای آن که توسط مردم درک شده و شخصیتی که نتیجه عمل و تعامل طبیعت یا عوامل انسانی است، توجه شد (شورای اروپا، ۲۰۰۰). در این تعریف دامنه توجه، طبیعت روستا، شهر و مناطق اطراف شهرها را پوشش می‌داد که مواردی چون زمین، آب‌های زیرزمینی و مناطق دریایی را نیز دربر می‌گرفت. هدف از کنوانسیون منظر ترویج حفاظت، مدیریت و برنامه‌ریزی و سازماندهی همکاری اروپا در مسائل مربوط به آن و هدف اصلی کنوانسیون منظر اروپا، زدن پلی بین مناظر گذشته و آینده است (Antrop, 2005: 22).

### مفهوم پیوستگی

در شناخت مفهوم پیوستگی در حوزه حفاظت منظر، دستیابی به تعریفی جامع و مانع کار دشواری است زیرا در اکثر نوشته‌ها و دستورالعمل‌های حفاظتی مورد نظر در مجامع بین‌المللی، بیشتر از واژه "integrity" استفاده شده که معادل فارسی آن "تمامیت" است. در حالی که در نوشته‌هایی که به زبان فارسی است، نوعی ابهام وجود دارد و از واژه‌هایی چون: یک‌پارچگی (unity)، انسجام (cohesion)، تداوم (continuity) و پیوستگی (connection) استفاده می‌شود. این، شاید ناشی از ویژگی‌های انباشت فرهنگی در معماری و شهرسازی دوره سنت است که هیچ‌یک از این واژه‌ها به تنهایی گویای تمامیت مورد نظر نیست و در بسیاری مواقع، به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. واژه پیوستگی در زبان فارسی، کاربرد وسیعی داشته؛ واژه‌های کلی است که در حوزه‌های مختلف کاربرد دارد. معنای عمومی آن، برگرفته از حالت و چگونگی پیوسته و در فرهنگ

هم درست شناخته نشده‌اند. این اطلاعات برای مدیریت آینده مناظر و مرمت آنها حتی در تصمیم‌گیری ایجاد موارد جدید بسیار مفیدند (Antrop, 2005). هرچند درک ما از شهر به پارامترهای گوناگونی وابسته است اما استفاده از زمین و الگوها، سازمان فضایی، روابط بصری، توپوگرافی خاک، پوشش گیاهی و همه عناصر زیرساختی فنی حتی آثار در مقیاس کوچک و جزئیات ساخت، پارامترهایی هستند که پیوستگی مناظر را قابل درک می‌سازند.

تحولات و توسعه‌های شهری دوره‌های تاریخی در اصفهان، نشانگر پیوستگی مناظر شهری است. دوره صفویه، یکی از بهترین نمونه‌های به‌جای‌مانده از وحدت بصری شهری به‌شمار می‌رود که زبان الگویی مناسبی را برای مرمت و حفاظت و توسعه‌های بعدی شهر دیکته می‌کند. اما لازمه این امر، آشنایی با زبان و بازبانی فرآورده‌های معماری و شهرسازی آن دوران است.

### روش پژوهش

روش پژوهش کیفی است که با در نظر گرفتن شهر اصفهان به‌عنوان نمونه‌موردی، راهبردی کل‌نگر و درعین حال روایی را به‌کار می‌بندد. برای رسیدن به تعاریف و مفاهیم پیوستگی و ابزارهای حفاظتی و تدقیق آن با ارزش‌های موجود در شهر سنتی اصفهان، رویکردهای حفاظتی منظر شهری تاریخی در اروپا بررسی گردیده است. علاوه بر آن، اهمیت و جایگاه پیوستگی در مباحث حفاظتی و مدیریتی بین‌المللی شهرهای تاریخی از درون گزارش‌ها، کنفرانس‌ها و اسناد مرتبط از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۳ کنکاش شده است.

هرچند تلاش‌های یونسکو در جهت حفظ مناظر شهری تاریخی از بعد از جنگ جهانی گسترش یافته است اما فعالیت‌های کشورهای مختلف اروپایی به‌منظور مدون کردن کنوانسیون منظر اروپایی درباره سایت و مدیریت منظر و حفاظت، نشانگر آن است که از قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی، معماری باغ در منظر و محوطه‌سازی تکامل یافت (انگدوشورتز و زجلیکو به نقل از Antrope, 2005). به‌طور کلی، نظم مهندسی منطقه در برنامه‌ریزی شهر و سازماندهی زمین پدید آمد و تنها در پایان قرن ۱۸ و آغاز قرن ۱۹ بود که به تحولات ناشی از انقلاب صنعتی به‌عنوان عوامل ویرانگر و تهدیدی برای محیط و منظر توجه شد. همچنین در دوره رمانتیک، دانشمندان طبیعت‌گرا دیدگاه‌های جدید انقلابی را براساس طبیعت و منظر و تکامل آن ارائه نمودند. پس از آن، برای اولین بار قانونی در حفاظت از طبیعت و منظر پدید آمد که در آن علاوه بر حفاظت از سایت‌ها و یادمان‌های طبیعی، به جنبه‌های بصری و

لغت متصل، ملصق، به‌هم‌بسته و بلافصل معنا شده است. از آنجایی که انباشت فرهنگی در یک شهر در طول زمان، نمی‌تواند یکسان باشد، گلد<sup>۱</sup> از سه نوع انباشت فرهنگی یاد می‌کند: ۱. پیش‌رونده ۲. پیوندی ۳. جانشینی (گلد به نقل از محسنیان‌راد، ۱۳۸۷). اگر تحولات شهرسازی صفویه را در اصفهان به‌عنوان پیوست فرهنگی بپذیریم، با استعانت از تقسیم‌بندی گلد می‌توان از پیوستگی به‌عنوان واژه‌ای که در آن مفاهیمی چون: تغییر، تکامل، وحدت، هم‌خوانی و همدلی مستتر است، در مقابل گسستگی استفاده کرد.

اگر اتصال و انفصال را صرفاً فاصله‌های کمی نشمرده بلکه امری پویا بدانیم، درمی‌یابیم که انفصال و اتصال، به نیروهای جاذبه و دافعه بستگی دارد (آرنهایم، ۱۳۸۸: ۳۰) که در ساختار فضایی جوامع سنتی، نقش مهمی داشت. در چنین جامعه‌ای، تقدیس فضا امر مهمی در نگرش به محیط زندگی انسان و در روابط انسان‌ها همراه با میراث فرهنگی ناملموس (اعتقادات و باورها) یا به‌عبارتی مناظر نامرئی (Martini, 2013) به‌شمار می‌رفت. اندیشیدن به زمان، به‌مثابه موجودیتی روان و تجدیدنپذیر نیز، از ویژگی‌های این جوامع بوده است. بنابراین، پیوستگی ناشی از روابط معنی‌دار میان کلیه عناصر و مواد ترکیبی با عوامل فیزیکی، بصری، معنوی، زمینه‌های دیگر فرهنگی و جایگاه‌شان است که منجر به پیوند و ادغام میراث ملموس و ناملموس و ارزیابی و درک فضاهای مکانی شهر یا منطقه شهری به‌عنوان یک فرایند می‌گردد.

شهر سنتی، در هر لحظه در حال تغییر برای رسیدن به کمال است. اگرچه هم‌نشینی اشیا براساس نیاز طرفین است و در پی هم‌نشینی قرار و آرامشی حاصل می‌شود اما در هم‌نشینی جدید در همان لحظه که آرامش به‌وجود می‌آید، نیاز جدید خلق می‌شود. از این‌رو، طبیعت دائم در حال تغییر است و در هر هم‌نشینی اشیا به‌نوعی کمال رسیده و در اثر این کمال، آرامش به‌وجود می‌آید. بین تغییر دائم شهر و آرامش و سکون تعادلی برقرار است (احمدی دیسفانی و علی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۴). به‌طور کلی، فعالیت‌های انسان برگ‌هایی از نشانه‌های او بر طبیعت‌اند که تبدیل به نشانه‌های مصنوع می‌شوند و جهان تبدیل به آن چیزی می‌گردد که منظر نامیده می‌شود. به‌عبارتی منظر، مجموعه‌ای از نشانه‌های ساخته‌شده به‌دست انسان است (Martini, 2013). این، نوعی وحدت جغرافیایی است که به‌وسیله تغییرات تاریخی و تحولات عملکردی در سیستم ارضی انعکاس می‌یابد.

شهر سنتی اصفهان دارای لایه‌های متعدد تاریخی درهم تنیده‌ای است که بیانگر سیر تکامل فرهنگی آن در طول تاریخ است. شهر در این سیر، ارزش‌های گوناگون معنایی

را طی سده‌های متوالی گزینش و به‌نظمی پیچیده بدل کرده است. منظر‌گرایان استدلال می‌کنند چون منظر حامل معناست پس از قابلیت خوانش هم برخوردار است. بنابراین، قرائت تاریخ و فرهنگ یک قوم، از منظری که ایجاد کرده، امکان‌پذیر است. متون و گزارش‌های مبسوط جهان‌گردانی چون ناصر خسرو، شاردن<sup>۲</sup>، کمپفر<sup>۳</sup>، کوست<sup>۴</sup> و پیر لوتی<sup>۵</sup> که اصفهان را در دوره‌های مختلف دیده‌اند، حاکی از وجود پیچیدگی نظام‌مند با شبکه‌ای از نظم‌های مختلف متنی بود به‌نحوی که ناظر به‌آسانی می‌توانست مناظر شهری را ادراک نماید. این افراد، چه زمانی که از اراضی بیابانی پیرامون وارد شهر می‌شدند و چه زمانی که در معابر و فضاهای شهر پرسه می‌زدند، کلیتی انسجام‌یافته را در سیمای شهر اصفهان ادراک کرده که بیانگر یک پارچگی و پیوستگی مناظر شهری است. منظر شهری تاریخی، فیزیک سرزمین را می‌سازد و به‌طور مداوم بین نزدیک، دور و داخل و خارج درنوسان است و می‌تواند هم کلی و هم جزئی باشد.

استقرار فضاهای شهری اصفهان سنتی بر مبنای قاعده هم‌نشینی یا جانشینی، مبتنی بر خصوصیات فضایی باهم ترکیب شده و در کنار یکدیگر نشست و مجموعه فضاها باهم، متن ساختار شهر را تشکیل داده‌اند (اهری، ۱۳۸۵: ۲۴۰). بدین‌گونه، مناظر تاریخی شهر شکل می‌گیرند (تصویر ۱). نشان داده شده است که انسجام بین عناصر کوچک در زمینه فضایی گسترده‌تر برای خوانایی منظر اهمیت دارد و توانایی روایت داستان یک مکان، هویت و ارزش کلی را به‌شدت بهبود می‌بخشد (Antrop, 2005).

واژه پیوستگی، مفهومی پیچیده است که تا پیش از یادداشت ۲۰۰۵ وین<sup>۶</sup>، عمدتاً برای ارزش‌گذاری سایت‌های میراث جهانی و طبیعی مطرح بود. برای دریافت مفهوم پیوستگی و اصالت در مناطق تاریخی شهری باید معیارهای ارزشی - محلی را درک کرد که بر سیاست‌های حفاظت از محیط زیست و تجربیات تأثیر می‌گذارند. پیوستگی می‌تواند به‌عنوان دیدگاهی کلیدی برای ارزیابی تمامیت ارزش سایت‌های تاریخی در نظر گرفته شود (Bandarin, 2010).

از آنجایی که مفاهیمی چون مکان و منظر، رفته‌رفته جایگزین واژه معمول یادمان گردیده‌اند، شرایط مکان می‌تواند به وضعیت المان‌ها و عواملی که حامل ویژگی‌های کامل منظر شهری تاریخی و به‌عنوان بخشی از کل است، اشاره داشته باشد. در نتیجه، تعریف پیوستگی می‌تواند در سه حوزه توصیف شود: الف. پیوستگی اجتماعی: عملکرد روابط عاطفی سمبلیک ایجاد شده که در نتیجه رشد نیروهای تولید، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مکان عملکردی پدید آمده است و با المان‌های



هر سه حوزه یادشده پایه و مبنای مفهوم هویت شهری را شکل می‌دهند، لازم است رابطه میان پیوستگی و هویت تعیین گردد.

### پیوستگی مناظر و هویت شهری

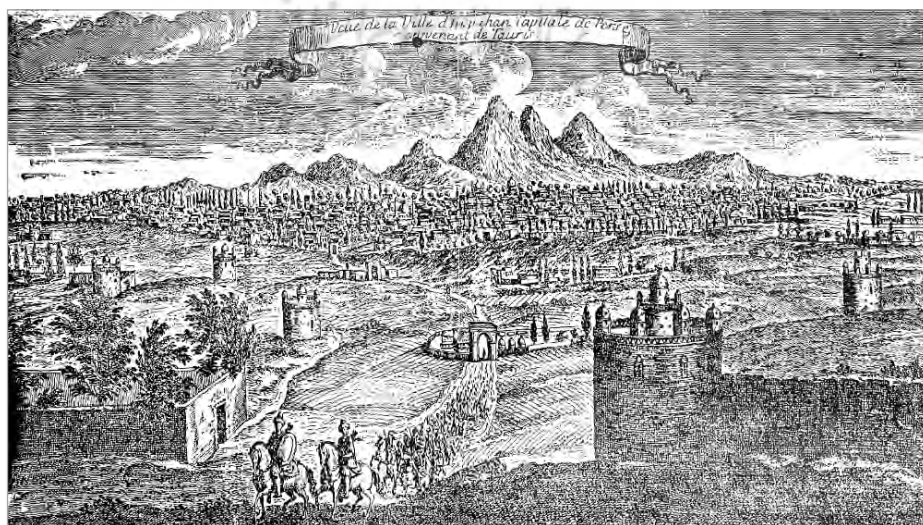
هویت، یکی از نکات بسیار مهم در حوزه رابطه بین انسان و محیط زیستش به حساب می‌آید. با هویت است که کنش‌گر با محیط خود ارتباط برقرار می‌کند. از آنجایی که، مؤلفه‌های شخصیتی یک شهر از طریق سه محیط: طبیعی، مصنوع و انسانی شناسایی می‌شوند، متغیرهای هر یک از این مؤلفه‌ها، چنانچه دارای صفات اختصاصی برجسته باشند؛ نقش شاخص و معرف هویتی را بروز می‌دهند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۵۷، ۵۸ و ۶۴). در مؤلفه‌های طبیعی، ویژگی‌های بستر طبیعی بخشی از هویت شهر را به‌تصویر می‌کشند. شناخت این مؤلفه‌ها شامل: جایگاه کلی طبیعی اصفهان در منطقه، مؤلفه‌های ساختاری جغرافیایی چون قرار گرفتن در مناطق مرکزی کویری، مؤلفه‌های ساختاری طبیعی چون رودخانه زاینده‌رود، مؤلفه‌های حوزه‌ای و ساختی - طبیعی مانند باتلاق گاوخونی و کوه‌های پیرامون حوزه اصفهان که تأثیرگذارترین آنها صفا است.

در مؤلفه‌های مصنوع، شهر اصفهان شاهد لایه‌های متوالی تاریخی است. صفویان نیز با اجرای طرح جامع خود معماری شهری شاخصی را به‌ظهور رساند. ابعاد بررسی هویت شهر از تعمق در عناصری خطی همچون محور بازار، محور چهارباغ، محور طبیعی، مصنوع زاینده‌رود، مادی‌ها و نهرهای منشعب از رودخانه، کانون‌ها و میادین شهری همچون میدان عتیق و میدان نقش جهان و دروازه‌ها که هویت ساختاری کالبدی شهر را در لایه‌های مختلف زمانی بررسی می‌کند، مورد توجه است. متغیرهای مؤلفه مصنوع شاخص‌های هویت شهر به سیستم‌های

مختلف پیوند می‌خورد (بافت قدیم و بازار اصفهان).  
ب. پیوستگی تاریخی و ساختاری: وضعیت حفاظت از عناصر منحصر به فرد مکان که می‌تواند یادآور وضعیت تاریخی، تیپولوژی و مورفولوژی شرایط بافت باشد (ساختار شهر اصفهان).

ج. پیوستگی بصری: تصویر بصری که نتایجی از ساختمان و مراحل تحول در گذر زمان یا وحدت بالقوه و به‌کارگیری آموزه براندی است (تسلسل فضایی تاریخی طرح صفوی با شهر قدیم اصفهان). البته ریشه رویکردهای جدید بصری و فرمی در تفسیر از محیط شهری تحت عنوان سیمای شهر در علوم برنامه‌ریزی را باید در گفته‌ها و نوشته‌های گردن کالن<sup>۷</sup> و کوئین لینچ<sup>۸</sup> در دهه ۶۰ جستجو کرد. پس از آن، به ایده شناسایی پیوستگی منظر شهری و موقعیت بصری در طرح جامع شهرهای ایتالیایی توجه شد. کالن، شهر را به‌عنوان تصویر و منظری درک شده می‌داند و معتقد است سازمان بصری و پیوستگی مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و میدان‌ها هستند که منظر شهری را می‌سازند. در همان زمان، لینچ ایده توانایی تصویرسازی<sup>۹</sup> و بیرون کشیدن تصویری قدرتمند از شهر برای درک ناظر مطرح می‌کند. وی تصویرسازی محیط را متأثر از بازگشت تصویر مشتمل بر سه جزء: هویت، ساختار و معنا می‌داند.

کیپلا<sup>۱۰</sup> که در تلاش برای آشتی چالش‌ها و تناقضات حفاظت شهری است، استدلال می‌کند در فعالیت‌های حفاظت و توسعه با شناسایی درست ابعاد تصویرسازی T می‌توان به تعیین ارزش‌ها و تصمیم‌گیری در حذف یا نگهداری ویژگی‌ها کمک کرد. این، موجب ایجاد توسعه ذاتی معنادار و اصالت در مکان‌های تاریخی می‌گردد (Kapila, 2009). از آنجایی که



تصویر ۱. یک پارچگی منظر شهر اصفهان در دوره صفویه (سفرنامه دلاواله، ۱۳۷۰)

مختلفی چون منظر عمومی، عناصر خطی، شاخص‌های کانونی و نقطه‌ای، شاخص‌های خطی، نقطه‌ای، تاریخی و کالبدی و تک‌های شاخص شهری طبقه‌بندی می‌گردند (تصویر ۲). در مؤلفه‌های انسانی، هویت شهر متأثر از اعمال، آداب و رسوم، اعتقادات و سیره و روش زندگی ساکنان هر شهری است و بیش از هر چیز به جنبه‌های مدنی شهروندان برمی‌گردد. از مؤلفه‌های انسانی، لهجه یا زبان مردم آن شهر است (همان) که سرلوحه آن، زبان و گویش خاص اصفهانی قرار دارد. پیوستگی، خواص ویژه هویت را تعریف می‌کند. گسست و تغییر شخصیت سنتی شهرها موجب از دست رفتن هویت شاخص شهری می‌گردد که این، از چالش‌های جدی توسعه معاصر و شهرهای سنتی است.

### جایگاه پیوستگی بصری در مباحث بین‌المللی

به پیوستگی بصری به‌طور خاص، در سال ۱۹۹۶ نشست کارشناسی پارک ملی دلاویوس توجه شد. برای اولین بار در سال ۲۰۰۵، تعریف عمومی یک پارچگی میراث طبیعی و فرهنگی در دستورالعمل‌های اجرایی گنجانده شد. سرعت توسعه مدرن و تحولات اقتصادی و اجتماعی موجب گردید تا نگرانی اصلی حفاظت میراث جهانی از حفظ اصالت به سمت مدیریت و بررسی تأثیرات توسعه در پیوستگی آثار میراث جهانی تغییر یابد. بند ۵۳۲ تفاهم‌نامه وین<sup>۱۱</sup> نیز، در دستورالعمل‌هایی برای مدیریت حفاظتی، می‌گوید: «تصمیم‌سازان برای مداخلات و معماری معاصر در منظر شهری تاریخی خواهان در نظر گرفتن دقیق، رویکردی فرهنگی و تاریخی حساس، با مشاوره ذی‌نفعان و

متخصصان دانش فنی هستند. چنین فرایندی بر اقدام مناسب و کافی برای موارد خاص بررسی زمینه فضایی میان قدیم و جدید، در حالی که به اصالت و یک‌پارچگی بافت تاریخی و ساختمان‌های موجود احترام گذاشته شود تأکید دارد.» (Vienna, May 2005) در اعلامیه شیان چین نیز تأکید شده است که منظر شهری تاریخی باید بر اساس پیوستگی سایت بوده و مقررات حفاظتی موجود در شهرها می‌بایست خود را به مضمون پیوستگی نزدیک کنند. همچنین، در نشست کارشناسی العین (امارات متحده عربی، مارس ۲۰۱۲) پیشنهاد شد، مفاهیم کلیدی پیوستگی میراث فرهنگی در دستورالعمل‌های عملیاتی گنجانده شود و بیان شده است که پیوستگی شهرهای تاریخی بر اساس روابط بصری داخلی و بیرونی شکل گرفته‌اند. از آنجایی که شهرهای تاریخی مثال‌های بارزی برای نمایش ارزیابی اجتماعی و هویت فرهنگی بخشی از بافت پهنه طبیعی یا مصنوع هستند، باید به‌عنوان بخش ثابتی در نظر گرفته شوند. شهرهای تاریخی ارگانیزم‌های زنده‌ای هستند که به‌عنوان بخش پویای زندگی معاصر در حال تغییرند (Scheffler, 2010).

واژه یک‌پارچگی بصری<sup>۱۲</sup> را بسیاری مواقع کمیته میراث جهانی استفاده کرده است. همچنین، اصطلاحات دیگری از قبیل اثرات بصری در منظر شهر تاریخی به کار رفته است. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲، صد و بیست نمونه از گزارش‌های مسائل حفاظتی طرح شد و سؤالاتی را در ارتباط با پیوستگی بصری، کمیته میراث جهانی در جلسات عادی بررسی کرد. این گزارش‌ها مجموعاً ۶۶ اثر را در ۵۰ کشور عضو، تحت



ORINST. AE 590 ISFAHAN, IRAN. CAPITAL OF THE SAFAVID KINGDOM. THE MOSQUE OF THE SHAH FILLS THE CENTER FOREGROUND. VIEWED FROM AN ALTITUDE OF 200 METERS ON JULY 6, 1937.

تصویر ۲. یک‌پارچگی مناظر شهری و اولین تحولات شهر (ORINST, 1937)



تغذیه لایه‌های فوقانی فرهنگ، در لایه‌های زیرین نهفته است (دوست‌ثانی، ۱۳۸۶: ۳۹۵).

بنابراین، تفاوت میان پیوستگی و گسستگی در معماری سنتی ما بسیار حساس و حیاتی و پرداختن به آن ضروری است. بستر سنتی شهر اصفهان از به هم پیوستن و ترکیب هسته‌های گوناگونی اعم از پر یا خالی به وجود آمده است که این هسته‌ها در کنشی، سیال و درهم تنیده شده‌اند و کاملاً یک پارچه به نظر می‌آیند (اعتصام، ۱۳۸۷: ۱۲۳). در واقع، این پیوستگی ریشه در احترامی است که در نفس معماری سنتی و به دو گونه پیوند اساسی وجود دارد، از یک سو، پیوند با محیط فرهنگی (سلسله ارزش‌ها و رفتارها و قوانین فرهنگی) و از سوی دیگر، پیوند با محیط طبیعی است؛ داده‌هایی که هم ابزار فکری و هم ابزار کاربردی هستند (رنگ، اندازه، تناسب، مصالح و اجزا و عناصر ساختمانی)، (فلامکی، ۱۳۶۵).

شهر اصفهان که در طول تکامل تدریجی خود به ترکیبی از یک پارچگی و پیوستگی معنی‌دار دست یافته و نظم هماهنگ پیچیده‌ای را ایجاد نموده بود، با ورود ماشین و تحولات شهری دچار گسستگی‌های ناهنجاری در بافت خود گردید (تصویر ۳). پیوستگی در شهر اصفهان در مفهوم، عناصر، الگوها، کاربرد هندسه، روش ساخت حاکم و آن گونه که شیرازی درباره تحولات توسعه‌ای می‌نویسد از نوعی پیوستگی یا دادوستدی استوار، معقول و مطلوب میان کهنه و نو سخن می‌گوید (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۸۲).

استیرلین<sup>۱۴</sup>، تداوم فضای شهری را در اصفهان این گونه شرح

پوشش قرار می‌دهند. هدف نشست کارشناسی ۲۰۱۳ آگراهند نیز، شناسایی مسائل مربوط به پیوستگی بصری و بررسی دستورات عمل‌های عملیاتی مربوط به آن و رسیدن به درک درستی از مفهوم پیوستگی میراث فرهنگی بوده است.

پیوستگی؛ کلیدی برای مدیریت مناظر تاریخی اصفهان اعتقاد بر این است که آنچه موجب تعادل و پایداری شهرهای سنتی گردیده، وحدت در تمام شئون آن است و این وحدت، گویای پیوستگی و تداوم مناظر سنتی است. پیوند میان اجزا و کل، از مباحث اصلی وحدت در نگرش سنتی به‌شمار می‌رود و در ادبیات عرفانی نیز، مورد تذکر قرار گرفته است (فرشاد، ۱۳۶۸: ۱۴۶ و ۱۴۷):

بشنو اکنون اصل انکار از چه خاست

زانک کُل را گونه‌گونه جزوهاست

جزو کُل نی جزوها نسبت به کُل

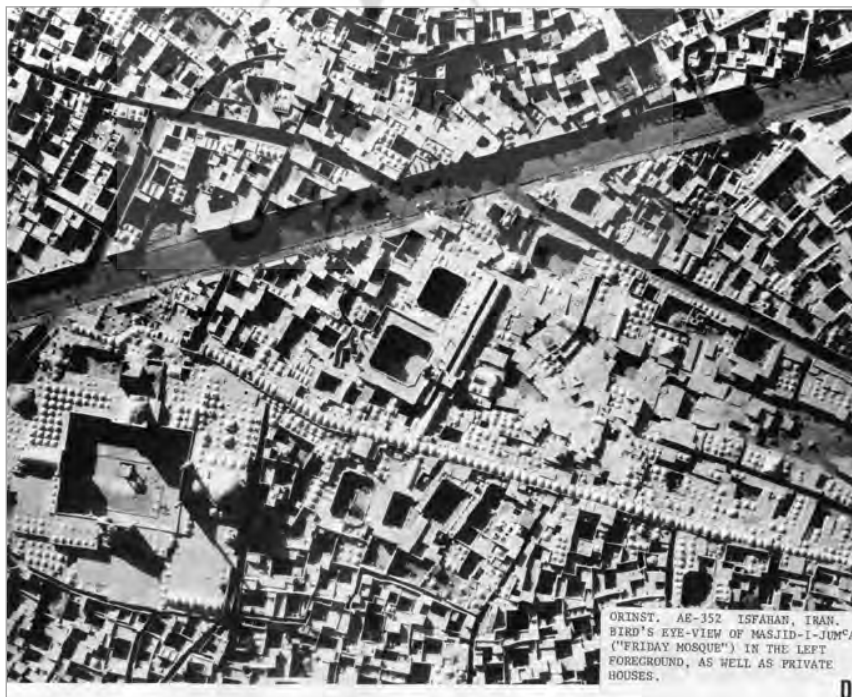
نی چو بوی گل که باشد جزء و کُل

لطف سبزه جزو لطف گل بُود

بانگ قمری جزو آن بلبل بود

(مولوی، ۱۳۶۴: ۱۴۴)

همچنان که میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، به دنبال هر انتقال، لایه‌ای با قطرهای متفاوت بر لایه قبلی افزوده می‌شود. اف‌باکن<sup>۱۳</sup> در توصیف چنین انباشتگی می‌گوید، انباشتگی فرهنگی موجب می‌شود که انسان جدید بر شانه میلیون‌ها انسان پیشین جای یابد (اف‌باکن به نقل از محسنیان‌راد، ۱۳۸۷: ۲۶). بر این پایه، بخشی از دارایی و منبع



تصویر ۳. اولین گسستگی مناظر شهری اصفهان (ORINST, 1937)

می‌دهد: جنبه بنیادین معماری و شهرسازی ایرانی، پیوستگی فضائی آن است. در آنجا بدون انحلال استمرار، همواره از یک فضای بسته به فضای بسته دیگر گذر می‌کنیم (استیرلن، ۱۳۷۷: ۵۵). برای حصول تداوم در محور بازار عناصری چون بازار و بازارچه‌ها، حجره‌ها در کنار معبر قرار گرفته‌اند و عناصر دیگر شهری در لایه‌های پشت واقع شده‌اند. ایجاد چهارسوق‌ها در امتداد راسته‌های بازار نیز، موجب برقراری تداوم فضایی-کالبدی گشته است (اهری، ۱۳۸۵: ۱۲۵).

به‌طور کلی، تداوم و پیوستگی معماری اصفهان در دوره صفوی را می‌توان در سه سطح شناسایی کرد:

۱. عناصر و اجزای معماری؛ تناسبات عناصر معماری چون گنبدها، مناره‌ها، ایوان‌ها و تزئینات وابسته،
۲. پیوستگی در عناصر هم‌نشین شهری؛ پیوند اتصال شهر نو با کهنه از طریق بازار یا به عبارتی محورها و راه‌ها،
۳. محیط جغرافیائی؛ مناظر فرهنگی طبیعی و مصنوع، پیوند شهر با رودخانه و کوه‌های اطراف و ...

### پیوستگی مناظر تاریخی و ابزارهای حفاظتی

تأثیر تفکر تعقلی توأم با بینش معنوی (حرمت و حریم) در شکل‌دهی و نوع ساختارهای ملکی و مصنوعات و فضاهای شهری، باعث شده است تا محوطه‌های خصوصی (کاخ‌ها و کوشک‌ها و منازل) و زیرساخت‌های عمومی بدون آنکه هیچ‌یک قطبیت خود را از دست بدهند یا در یکدیگر تداخل آزردهنده داشته باشند، به نحوی پیوسته و در رابطه‌ای نزدیک همچون بافتی منسجم توسعه یابند (دوست‌ثانی، ۱۳۸۶: ۳۹۵).

مدیریت منظر کار دشواری است؛ مدیریت قطعه زمین‌های زیادی که متعلق به مردم با منافع خاص خود هستند. در تمدن‌های روی زمین، مالکیت خصوصی و حق عمری و رقبی، قانون مهمی برای صاحب ملک بوده که دلالت بر استفاده آزاد از زمین و تعیین ارزش‌های آن را دارد. با این حال، اهمیت منظر به‌عنوان میراث مشترک و فراتر از مرزهای مالکیت در نظر گرفته می‌شود که نتیجه درک شکل‌های پیچیده کاربرد چندمنظوره زمین هستند (Antrop, 2005). در پاسخ به نگرانی‌های بسیاری از شهرهای میراث جهانی و به‌روز کردن دستورالعمل‌های حفاظتی کمیته میراث جهانی در نشست دوربان،<sup>۱۵</sup> آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۵ ابزار جدیدی را برای حفاظت از مناظر تاریخی شهر، در استراتژی‌های مربوط به توسعه اجتماعی و اقتصادی ارائه نمود.

کپیلا که مدافع تصویرسازی و پیوستگی بصری است، به‌دست‌آوردن درک جامعی از تصویر و تصویرسازی مناطق شهری تاریخی را پیش‌نیازی حیاتی برای نگرش یک‌پارچه به حفاظت می‌داند. وی در این زمینه معتقد است، این درک

می‌تواند به نیروی غالب در تعیین ماهیت سیاست‌ها، استراتژی‌ها و تکنیک‌های حفاظت و توسعه محیط تبدیل گردد (Kapila, 2009). نشست کارشناسی مرکز میراث جهانی درباره پیوستگی بصری در آگرا هند مقرر می‌دارد که کشورهای عضو باید ابزار جدید HUL را بر زمینه‌های خاص خود منطبق و به‌طور گسترده در سراسر سرزمین‌های ملی خود آن را منتشر نمایند. همچنین، گام‌های مؤثری را در تسهیل اجرای آن از طریق تدوین و تصویب سیاست‌های حمایتی و نظارت بر تأثیر آن در مدیریت حفاظت شهرهای تاریخی بردارند (آگرا هند، ۲۰۱۳).

توسعه اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن ابزارهای مدیریتی مناسب، تأثیر چشمگیری در تحول و ترویج پیوستگی مداخلات معاصر داشته که ریشه در تعادل و روابط پایدار میان ساخت و محیط طبیعی دارد. رویکرد HUL، خلاقیت فرهنگی را ثروتی کلیدی برای انسان به حساب می‌آورد (Martini, 2013). برای راهبری این موارد، مؤلفه‌هایی کلیدی در برنامه‌ریزی و استراتژی‌های توسعه شهری و محلی وجود دارد (Bandarin, 2010). کیفیت‌هایی که وجود آنها متضمن پیوستگی شهر تاریخی است عبارت‌اند از:

- روابط درونی شهر یا رابطه با بافت طبیعی پیرامون،
  - انطباق عملکرد ترکیبی و سنت‌های شهری با عملکردهای جدید بدون از دست دادن ارزش‌های تاریخی و دستاوردهای آن،
  - سنت‌های فرهنگی، روح مکان و پتانسیل‌های خلاق معاصر که منجر به هویت یک مکان می‌گردد.
- بر این اساس، هرگونه تهدیدی نسبت به این کیفیت‌ها، اصالت و پیوستگی بصری مناطق شهری تاریخی را به مصالحه می‌کشاند (Rutkauskas, 2010). بنابراین، منظر شهری تاریخی اهمیت خود را از تکامل تدریجی و توسعه ارضی برنامه‌ریزی شده طی دوره زمانی و در نتیجه مشارکت شرایط محیطی و توپوگرافیک کسب نموده و ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به جوامع را بیان می‌کند.

از آنجایی که تحولات توسعه‌ای معاصر به اصالت و پیوستگی مناظر شهرهای تاریخی احترام نمی‌گذارد، تفاهم‌نامه وین بر تأثیر توسعه معاصر بر مناظر شهری تاریخی متمرکز گردیده است. آن‌چنان‌که، پیشنهادات مربوط به افزایش کیفیت زندگی، بدون تهدید ارزش‌های موجود شهری تاریخی در حال گسترش است. نکته مهم در این سند، گوشزد کردن وظیفه معماری معاصر است که چالش اصلی معماری معاصر در منظر شهری تاریخی برای پاسخ‌گویی به توسعه پویا به‌منظور سهولت تغییرات اجتماعی-اقتصادی و از طرفی پاسخ‌دهی هم‌زمان به شکل میراثی شهر و مناظر موجود است. برای حفاظت از اصالت و پیوستگی منظر شهری تاریخی، هر مداخله جدید در شهر تاریخی باید با احترام به اصالت و پیوستگی مکان منظر شهری، انجام شود.



## نتیجه‌گیری

منظر تنها یک چشم‌انداز نیست بلکه محیطی تجربه‌شده و در حال تجربه‌شدن است که ترکیب فوق‌العاده‌ای از تاریخ و تجربه‌ها، منابع آموخته و رمزگشایی‌شده را به‌منظور حفاظت و رشد در خود دارد. منظر نه‌تنها حامل مسائل فرهنگی است که سیستم اتصال کیفیت‌های فردی در بین خود و تبدیل آن به ثروت فرهنگی است. پیوستگی، معیاری است از تمامیت و تنوع مناظر شهر سنتی و تداوم آن با ساخت‌های بعدی که موجب حفاظت از انباشت‌های فرهنگی و تمدنی می‌گردد. در شهر سنتی نه‌تنها میان همه اجزا باهم بلکه میان اجزا با کل هستی ارتباطی دائمی وجود دارد و طبیعت نیز در دیدگاه سنتی، بخشی از هستی به‌شمار رفته و هوشمند و لایه‌لایه است. به‌نحوی که، خلل در گوشه‌ای از طبیعت، باعث خلل در کل هستی می‌شود.

اگر یک‌ذره را برگیری از جای  
خلل یابد همه عالم سرپای  
(شبستری، ۱۳۴۸)

اگرچه تغییر لازمه رشد و تکامل شهر در گذر زمان است، چگونگی و مقدار آن از اهمیت اساسی برخوردار است. اینکه چه چیزی مجاز به تغییر است و چه چیزهایی را باید حفظ کرد، به عوامل گوناگونی در هر دوره تاریخی مرتبط است که در حوزه مدیریت تغییر باید بررسی گردد. در این راستا، عوامل اجتماعی درگیر با حفاظت ممکن است چیزهایی را نگه دارد، تغییر دهد یا آنها را بازسازی کند. زیرا مناظر شهری تاریخی کلتی یک‌پارچه و به‌هم پیوسته است که از تداوم لایه‌های مختلف تاریخی و فرهنگی در بستر و محیط خود در طول زمان شکل گرفته است. در واقع، می‌توان گفت بخشی از دارائی و منبع تغذیه لایه‌های بالائی فرهنگ، در لایه‌های زیرین آن نهفته است و این، منبعی است که در برنامه‌ریزی حفاظت مناظر شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تغییر سریع و نوگرایی شهری دهه‌های اخیر در شهر تاریخی اصفهان، باعث سردرگمی و اغتشاش ذهنی مردم شهر و مدیریت شهری گردیده است. از دست‌دادن پیوستگی مناظر شهری تاریخی، قرائت و درک شهر و روابط آن را دشوار و ارتباط بصری با هویت شهری تاریخی را برای نسل‌های آینده دشوار می‌سازد. در حالی که، حفاظت پایدار به‌دنبال تفسیر روابط معنی‌دار میان نسل‌ها و هویت‌مندی است که از طریق پیوستگی مناظر یادشده به‌دست می‌آید. تردیدی نیست که با حفاظت از تمامیت و درک مفهوم پیوستگی مناظر تاریخی و طراحی‌های جدید هم‌ساز شهری و احترام به انباشت‌های فرهنگی، می‌توان در تداوم لایه‌های شهری پیشین گام برداشت و ضمن حفظ انسجام شهری، امکان دست‌یابی به منبع دقیق و عمیق فرهنگی را برای نسل‌های گوناگون فراهم آورد.

بر اساس آموزه معماری سنتی و طرح توسعه شهر اصفهان در دوره صفوی، پیوستگی هماهنگ ریشه در تعادل و روابط پایدار میان ساخت و محیط طبیعی و احترام به میراث دوره‌های پیشین دارد. بر همین مبنا، در دامنه‌های مختلف طراحی و مدیریت و حفاظت شهری، لازم است با استعانت از راهبردهای نوین حفاظت از مناظر شهری تاریخی (LUH) در روند توسعه‌های شهری، نگاه کل‌گرایانه را جانشین نگاه جزئی‌نگر رایج در حوزه‌های تصمیم‌گیری و اجرا نمود. از آنجایی که پیوستگی میان گذشته و حال ضامن تداوم آینده خواهد بود، اگر نسل امروز نتواند خود را به ارزش‌های باقی‌مانده از گذشته پیوند بزند، این ارزش‌ها از وی جدا و از دست خواهند رفت. آنگاه میان لایه‌های تاریخی تمدن‌ساز، جز گسست و نابسامانی چیزی حاصل نخواهد شد.

## پی‌نوشت

1. Julius Gould
2. Chardin
3. Kaempfer
4. Pascal Coste
5. Pierre Loti

۶. از ۱۲ تا ۱۴ می، ۲۰۰۵ کنفرانسی در شهر وین اتریش برگزار گردید. در این کنفرانس، نمایی کلی از اصول و رهنمودهایی به تصویب رسید. واژه یادداشت وین، ترویج یک رویکرد کلی به معماری معاصر، توسعه شهری و یک پارچگی منظر به‌ارث‌برده شده است. کمیته میراث جهانی در بیست و نهمین جلسه جولای ۲۰۰۵ در دوربان، آفریقای جنوبی، از یادداشت وین استقبال و به‌عنوان ابزار لازم مضاعف برای بحث و ارزیابی مداخلات معماری معاصر، از جمله ساخت‌وسازهای بلند در شهرهای میراث جهانی و گسترده‌گی آنها نام می‌برد.

7. Gordon Calon
8. Kevin Linch
9. Image ability
10. Cilva.D.Kapilla
11. Vienna Memorandum
12. Visual integrity
13. F.bacon
14. Stirlan
15. Historical Urban Landscape

## منابع و مأخذ

- آرنهایم، رودلف (۱۳۸۸). **پویه‌شناسی صور معماری**. ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آیت‌الله‌زاده شیرازی، باقر (۱۳۸۲). ایران و جهان اسلام از نگاه اصفهان در شهر موزه نقش جهان، **فصلنامه علمی، فنی، هنری اثر (ضمیمه)**. (۴۲ و ۴۳)، ۲۹۸-۳۱۴.
- استیرلن، هانری (۱۳۷۷). **اصفهان تصویر بهشت**. ترجمه جمشید ارجمند، تهران: فرزانه.
- اهری، زهرا (۱۳۸۵). **مکتب اصفهان در شهرسازی (دستور زبان طراحی شالوده شهری)**. تهران: فرهنگستان هنر.
- بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶). **هویت شهر**. تهران: شهر.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۸۶). **دیوان اشعار حافظ شیرازی**. به‌اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: کتابسرای نیک.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۴). **مرمت شهری**. چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰). **سفرنامه پیتر و دلاواله**، قسمت مربوط به ایران. ترجمه و شرح حواشی شجاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوست‌ثانی، مرتضی (۱۳۸۶). **مجموعه مقالات معماری و شهرسازی مکتب اصفهان**. تهران: فرهنگستان هنر.
- شبستری، محمود (۱۳۴۸). **گلشن راز**. تهران: خانقاه نعمت‌الهی.
- فرشاد، مهدی (۱۳۶۸). **عرفان ایرانی و جهان‌بینی سیستمی**. تهران: بنیاد نیشابور.
- فلامکی، محمدمنصور و دیگران (۱۳۶۵). **معماری بومی**. تهران: فضا.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷). **ریشه‌های فرهنگی ارتباط در ایران**. تهران: چاپار.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۴). **مثنوی معنوی**، دفتر اول، تصحیح رینولد نیکلسون، به‌اهتمام دکتر نصرالله پورجوادی، تهران: امیرکبیر.
- دیسفانی، یدالله و علی‌آبادی، ا (۱۳۹۰). **کنکاشی درباب شکل شهر سنتی از منظر اندیشه اسلامی**، **فصلنامه باغ نظر**. سال هشتم، (۱۹)، ۳۰-۱۷.

- Antrop, M. (2005). Why Landscapes of the Past Are Important for the Future. Elsevier Landscape and Urban Planning, 70: 21-34.
- Bandari, F. (2010). A New International Instrument. The Proposed UNESCO International World Heritage Expert Meeting on Visual Integrity, 6-9 March 2013 Agra, India.
- Recommendation for the conservation of Historic Urban Landscapes
- Kapila, D. S. (2009). The Image of the Historic City Reconciling Challenges and Contradictions in Urban Conservation. Paper presented at the 10th Cambridge Heritage Seminar at the University of Cambridge, England, April 18-19.
- Lowenthal, D. (1997). European Landscape Transformations: The Rural Residue. In: Groth, P. & Bressi, T. W. (Eds.), Understanding Ordinary Landscapes. New Haven: Yale University Press, 180-188.
- Recommendation for the conservation of Historic Urban Landscapes.
- Sooväli, H.; Palang, H. & Külvik, M. (2003). The role of rural landscapes in shaping Estonian national identity .







Received: 2015/01/05

Accepted: 2015/06/20

## The Significance of Connection between Historical Landscapes and Modern Protection Tools (Case study: Old city of Isfahan)

Reza Aboui\* Abdullah Jabalameli\*\* Gholamreza Kiani Dehkiani\*\*\*

### Abstract

5 “Connection” is an inherent necessity of city and one of the main components of development and evolution of landscapes in the old cities as time passes. The “connection” in urban-historical landscapes of Isfahan implies an identity constituted during a long period of history, life and activity of generations after generations and, in this way, it has been exposed to various changes and transformations when it was the Safavid capital. The speed and vastness of contemporary urban expansions threat severely the identity of such cities by creating deep ruptures in the historical urban landscapes. Vanishing of “connection” in urban landscapes, incorrect understanding of its traditional meaning and the emergence of incongruent urban landscapes in modern designs are the consequences of such an expansion which itself is the biggest issue in urban protection. This study aims to show that “connection” is a key factor in understanding the integral totality of old cities and makes possible the reading of different physical-historical and symbolic layers for various generations. By proper understanding of the meaning and significance of “connection” in historical urban landscapes and the effectiveness of promoted protection approaches, regaining and more precise valuing of cultural capitals can be achieved. The basis of historical urban landscape approach is the preservation of “connection” and respect for the past cultural-historical values in the process of development and change. The city of Isfahan which is the epitome of “connection” and a source of historical urban landscapes has been selected as the case study and the interpretation of “connection” in its landscapes has been done via qualitative method and holistic approach.

**Keywords:** traditional landscape, connection and identity, visual connection, Vienna memorandum, Safavid Isfahan

---

\* Assistant Professor, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan

\*\* Assistant Professor, Islamic Azad University of Khorasgan, Isfahan

\*\*\* PhD Candidate, Art University of Isfahan